

# تفکر انتقادی در

## جهان چند رسانه‌ای

مهدی درویش پور

کارشناس ارتباطات

معرفی این کتاب صرفاً برای آشنایی بیشتر مخاطبان در تشخیص دنیای واقعی از دنیای رسانه‌ای با دیدگاه مؤلف محترم این صفحات است و فارغ از نگرش و نگاه اعضای دست‌اندرکار و مسئولان مجله می‌باشد.

شده است. در فصل سوم نیز مباحثی همچون «تأثیر سواد رسانه‌ای بر مدیریت رسانه‌های اجتماعی، سواد رسانه‌ای و ره‌اشدگی فضای مجازی، سواد رسانه‌ای و ارتباط آن با رسانه جمعی، سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی در برابر اخبار جعلی رسانه‌ها» تشریح و تبیین شده‌اند. کتاب آموزش تفکر انتقادی نوشتهٔ چت مایرو، ترجمهٔ دکتر خدایار ابیلی است. در این کتاب مطرح می‌شود: تفکر انتقادی سپری در مقابل بمباران اطلاعاتی است.

در سال‌های اخیر تمرکز مدرسه‌ها بیشتر به انتقال اطلاعات معطوف بوده است. این روش سبک انفعالی تعلیم و تربیت را ترویج می‌دهد. اما با توجه به حجم بسیار بالای اطلاعات در دسترس از طریق رایانه و وسایل ارتباطی، دیگر کافی نیست که محافل آموزشی به‌منزلهٔ مخزن دانش و استادان مانند سخنران و انتقال‌دهندهٔ اطلاعات عمل کنند. بلکه استادان باید به راهنمایی و آموزش شاگردان برای افزایش مهارت‌های تفکر، استدلال و تحقیق مستقل بپردازند تا شاگردان اطلاعات موجود را پس از پردازش مورد استفاده قرار دهند (تفکر انتقادی).

به گفتهٔ نالس: «حقایقی که در دوران جوانی آموخته شده‌اند، نه تنها کافی نیستند، بلکه در بیشتر موارد نادرست هستند و مهارت‌های فراگرفته‌شده تحت تأثیر فناوری‌های جدید کارایی خود را از دست می‌دهند.» در سال‌های اخیر، متخصصان علوم تربیتی در مورد نارسایی



تفکر انتقادی در جهان چند رسانه‌ای با تأکید بر آموزه‌های سواد رسانه‌ای، نوشتهٔ سجاد و نجمه خسروانیا، از انتشارات پشتیبان، در سال ۹۷، با ارائهٔ چشم‌اندازی وسیع و روشن، سعی دارد مخاطبان را در تشخیص دنیای واقعی از دنیای رسانه‌ای راهنمایی کند و آنان را به سمت نگاه نقادانه به پیام‌ها و محتواهای رسانه‌ای سوق دهد. در این کتاب هدف سواد رسانه‌ای شناخت اطلاعاتی و محتوای پیام‌های منتشرشده توسط رسانه‌ها است. با استفاده از تکنیک‌ها و روش‌های تفکر انتقادی می‌توان از آثار و پیامدهای فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی

رسانه‌ها درک بهتری داشت. بنابراین، می‌توان گفت هر چقدر سواد رسانه‌ای افراد بیشتر باشد، در فرایند نقد و انتقاد رسانه‌ای موفق‌تر و بهتر عمل خواهند کرد. از این رو سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی لازم و ملزوم یکدیگرند.

این کتاب سه فصل دارد که فصل اول آن به مباحث سواد رسانه‌ای اشاره می‌کند و به بیان تعریف‌ها، تاریخچه، ضرورت، سطوح، اهداف و مراحل کسب سواد رسانه‌ای و ضرورت و علل نیاز سواد رسانه‌ای و ضرورت افزایش آن می‌پردازد. همچنین، ویژگی‌های پروژه‌های سواد رسانه‌ای و کشورهای پیشرو در این مهارت مطرح شده‌اند.

در فصل دوم به تاریخچهٔ تفکر انتقادی، تفکر خلاق و نظریه‌های این حوزه پرداخته شده و مباحثی از جمله اصول تفکر انتقادی، راهکارهای علمی آموزش خلاقیت، ویژگی متفکران منتقد، مراحل پیشرفت تفکر انتقادی، حضور رسانه‌ها در زندگی افراد و کارکردها و تأثیرات رسانه‌ها و روش‌های مؤثر در کاهش تأثیرات مخرب رسانه‌ها تفسیر



و تمایل به تعمق و اکتشاف، عوامل اساسی انگیزش هستند که در پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی ضروری‌اند. در این فصل، پیشنهادهایی هم برای ایجاد محیط درسی که این گرایش‌ها در آن تشویق می‌شوند، ارائه شده است. فصل پنجم در ایجاد کلاس درس واکنش متقابلی که در آن روش‌های بحث و حل مسئله به‌منزله راهبرد اولیه آموزش جایگزین روش سخنرانی می‌شوند، به استادان کمک می‌کند. در فصل ششم الگوهای تکالیف نوشتاری ارائه شده‌اند. در فصل هفتم، توضیحاتی درباره مزایای سبک فردی و شخصی در آموزش داده شده‌اند که در آن استادان، شرکت فعال با شاگردان را در جداسازی عناصر عینی و ذهنی در تفکر انتقادی، جایگزین رفتار عینی و مستقل خود می‌کنند. در بخش سوم بر مفهومی وسیع‌تر از آموزش تفکر انتقادی تأکید می‌شود که نخست آمادگی استاد و سپس قلمرو و محیط اجتماعی را که در آن تدریس انجام می‌شود، مورد توجه قرار می‌دهد. در فصل هشتم، الگویی برای سمینارهای تفکر انتقادی ارائه شده‌اند که در آن استادان رشته‌های گوناگون، راهبرد آموزش و تکالیف شاگردان را به‌طور مشترک طراحی می‌کنند.

توانایی شاگردان در تفکر انتقادی، ابراز‌نگرانی کرده‌اند. رشد و پرورش مهارت‌های فکری شاگردان همیشه در آموزش مسئله‌ای پیچیده بوده، ولی امروزه حالتی بحرانی به خود گرفته است، چون برون‌داد اطلاعاتی فرهنگ ما از قدرت تفکر انتقادی‌مان درباره اطلاعات فراتر رفته است. این کتاب در سه بخش تدوین شده است: در بخش اول: مفاهیم اصلی مربوط به آموزش تفکر انتقادی ارائه شده. بحث فصل اول پیرامون این مطلب است که منطق و حل مسئله به‌منزله ابزار آموزشی تفکر انتقادی محدودیت‌های جدی دارد. در این فصل، همچنین مطالبی برای بررسی تفکر انتقادی در قالب نظرگاه‌های خاص تربیتی ارائه شده است. در فصل دوم این بخش، چارچوبی برای کمک به استادان در درک چگونگی آموزش فرایند تفکر انتقادی عرضه می‌شود. بخش دوم این کتاب بر جنبه‌های عملی آموزش در کلاس تأکید می‌کند. در آغاز این بخش (فصل سوم) به دو برنامه‌ای که در آموزش رفتارها و مهارت‌های تفکر انتقادی شاگردان موفق بوده‌اند، اشاره شده است. در فصل چهارم نویسنده معتقد است، احساس رمز و معما